

۴۲۸۱

کتابخانه مجلس شورای ملی
خطی «فهرست شده»
۳۶۶۰

اخبار سیاسی
ترجمهٔ سید حسین شیرازی از هندی

بازدید شد
۱۳۸۲

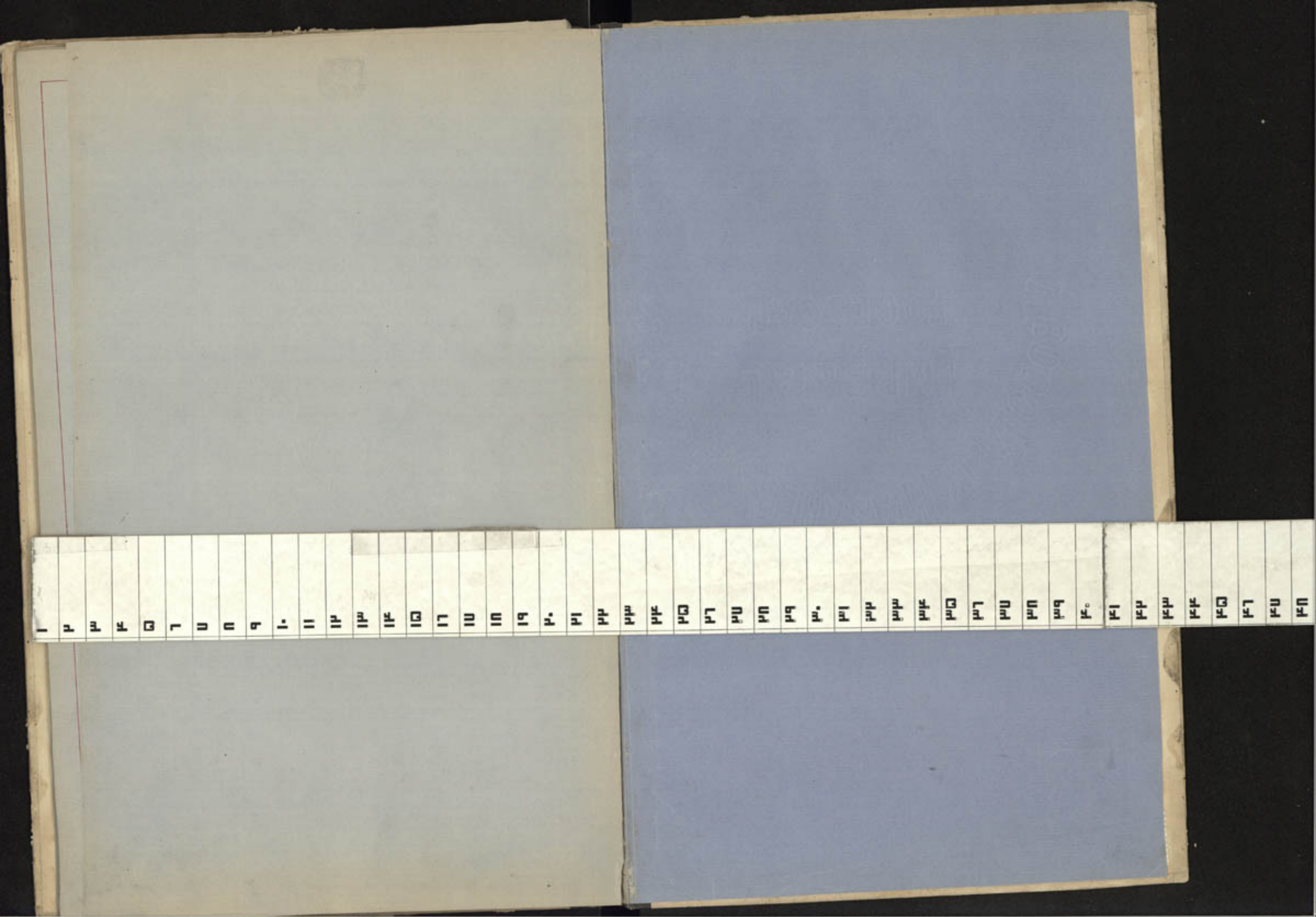


۷۸۹۴
نمره دفتر ۱۸۹۱ کتابخانه مجلس شورای ملی
جلد هشتم
منجمله کتب خریداری جهة
ف ۳۶۲۰



۴۲۸۱

۲۶۶۰






کتابچهٔ اول

ترجمه از روزنامجات هندوستان

مصر و احوال حالیهٔ آنجا

نگارندهٔ کوه نور مطبعهٔ لاهور می‌نویسد چندی قبل یک ارتیکلی در خصوص واقعات و آفات حالیهٔ مصر درج اخبار نموده بودیم که جهت اینهمه انقلاب و مفسده آنچه لحظه نموده هست که دولت انگلیس مداخلهٔ خود را در مصر زیاد کرد و جهت دیگری که در تصور ما می‌آید هست که توفیق پاشای خدیو پس از آنکه شعلهٔ فساد و یاغیگری عربی پاشا فرونشست بحکام انگلیس اصرار نکرد که لشکر و سپاه خود را از مصر مراجعت دهند و بالمره خود را از بعضی اوامر و نواهی آنجاها دخل نمایند که در واقع این یک خبط عظیمی بود از خدیو - که آخر الامر باعث خروج متمهدی شد و همچنین توقف چند روزهٔ انگلیسها در مصر برای اصلاح بعضی پیچیدگیهای آنجا اهالی چنین گمان کردند که انگلیسها دیگر از مصر نخواهند رفت و بعد ازین باید عنان اختیار آنها بدست

ایشان باشد و بواسطهٔ همین خبط بزرگی که خدیو کرد بالمره از صولت و شوکت ریاست افتاد و خود را در انظار رعایا بی عظم و منزلت نمود تا کار بجائی کشید که تمام وحشیهای سودان نیز بر او شوریدند - و نیز گفته بودیم که اگر این ماده غلظت پیدا کرد و استعداد متمهدی در خطهٔ سودان قوت گرفت دیگر از قوه و قدرت خدیو خارج خواهد بود که بتواند رفع شر و فساد از خود نماید و اینکه جنرال گوردون بطرف سودان رفته که شوکت خود را بر بعضی از قبایل و عشایر اعراب بنماید اینهم واضح است که مشارالیه با دو گوش و دماغ خود کاری که منوط بفایده باشد نخواهد کرد - چنانکه بعد از نوشتن این ارتکل طولی نکشید که خبر شکست خوردن جنرال بیکر پاشا رسید که سپاه مخالف مشارالیه را در مقام توخار شکست فاحش داده و دو هزار تن از لشکر اروپائی او در میدان کارزار بر خاک هلاک افتاده و دشمنان اجساد آنها را از دم تیغ قطعه قطعه نمودند - ازین خبر یقین قطع حاصل میشود که درین معرکه نصف از لشکر مشارالیه تلف شدند و مقتولین مذکور تمام از سپاهیان انگلیسی و

ترکی هنرمند بودند از سپاه مصری کسی با آنها شرکت نکرد و بعضی که از جنگ
کردن با خصم تقاعد ورزیده روی بهزیمت نهادند .

الغرض شش عراده توپ نیز از دست ایشان رفت و آخر الامر بکر پاشا
مغلوب و منکوب مراجعت کرد - اگرچه این شکست بکر پاشا فی حد
ذاته قابل تذکار نیست و تلف شدن این قلیل قشون را در جزو نقصان
نباید پنداشت ولیکن از آنجائیکه این هزیمت سپاه مصر بسمع مردمان رسید
و دانستند که لشکر مصر تاب مقاومت با سپاه متمهدی را ندارد هیچ جای
شک و شبهه باقی نمیماند که همین مطلب باعث ترقی و جاه و جلال و جبروت
متمهدی میگردد - پس هیچ جای تعجب نیست که اندک زمانی نمیگذرد که آن
اشخاصیکه تا بحال دعوی امامت متمهدی را اقرار نکرده اند تمام همان اشخاص
(مصریها) دعوت مشار الیها را بجان و دل قبول خواهند نمود .

برای تصدیق قول ما استماع همین فقره کفایت میکند که تمام قبایل مقیمه در
کوردوسکو آتش بغی و طغیان خود را برافروخته اند - چنانکه جنرال گوردون هم

بهمین واسطه پیشقدمی خود را معوق گذارد - اگرچه همین مطلب خیلی اسباب وحشت
و اضطراب اهالی خواهد بود (یعنی پیش رفتن جنرال گردون) بجانب خصم ولو
آنکه هنوز این فقره چندان بر خدیو مصر واضح نشده است که آیا این تامل جنرال
موصوف از عدم کفایت و قابلیت او بوده یا آنکه از روی تدبیر عقلی و لیاقت
او بوده است زیرا که تا بحال جنرال گوردون بهیچ کاری دست نینداخته
تا کفایت او بر اهالی مصر ثابت شود - همینقدر علی العجاله اندک از افواج
در سر راه و موضع حمله گاه بعضی از متابعین متفرقه متمهدی میفرستند تا کنون نه
استعداد و قابلی بطرف دشمن فرستاده تا خصم را مضمحل سازد و نه حرکتی از او
ناشی شده است که دشمنان از او واهمه داشته باشند .

و گویا این فقره در دلها اثر مینماید که آن شکستهائیکه سابق بر این بسپاه مصر رسید
حوصله باقی افواج را تنگ نموده و قلوبشان را ضعیف و خاطر آنها را متزلزل
ساخته است و همچنین است حالت خدیو که حوصله تحریص و ترغیب قشون
بطرف لشکر مخالف برای او باقی نمانده است .

از آثار و علایم و وضع و حالات خدیو چنین استنباط میشود که گویا بسیار مایل است
که بدون منازعه و گفتگوی با غیری مملکت را واگذار نماید یعنی همین طوریکه حال
انگلیسها مداخله خود را زیاد کرده اند ریاست مملکت هم با خود ایشان باشد
که هر قسمیکه میخواهند عمل کنند و هر جائیکه میتوانند رفت بروند بجهت آنکه اهالی
مصر باطنا با خدیو مخالف هستند و عداوت قلبی با مشارالیه دارند زیرا که اعتقاد
عموم رعایای مصر این است که توفیق پاشا آنها را ذلیل انگلیسها کرده و
مملکت ایشانرا بدولت خارجه تسلیم نموده است و گویا اینفقره هم در قلب
خدیو خطور کرده باشد که اگر با متمهدی جنگ کند مثل این است که با یک پیشوا
و مقتدای جمعی از مردمان جنگیده است باین معنی که بومنا هذا کافه اهالی مخدو
مشارالیه را حامی ملت و خیرخواه مملکت خود میدانند و لو آنکه متمهدی را امام
و خلیفه زمان ندانند لیکن فتوحات عدیده و شکستهائیکه بسپاه انگلیس وارد
آورده محبت او در تمام دلها جای گرفته است - پس اگر هر آینه توفیق پاشا
نتواند که با متمهدی حریف و هم شاخ شود جای تعجب نخواهد بود زیرا که مشارالیه

هرگز نمیتواند صولت و سطوت متمهدی را از قلب سپاه خود دور نماید .
علاوه بر آن از بدبختی خدیو یکی این است که از وقتیکه بر مسند ریاست مصر
نشست تاکنون انگلیسها فرصت نداده اند تا مشارالیه مستقلا با مورات مملکت
رسیدگی نماید که لااقل رعب و سطوت او در قلوب رعایا اثر کند بلکه از
ابتدای ریاستش هر امری را که متصدی شد برأی و اراده و خیالات حکومت
انگلیس بود و بنا بر آن رعایا چنین گمان دارند که خدیو متعمدا اهالی را مبتلای
باین مصائب ساخته و اینفقره در ذهن ایشان جای گرفته است .
پس خدیو بیچاره با این مصیبتهائیکه بآن مبتلا شده است خواه با خیالات
اهالی مطابق باشد یا نه در هر حال از دولت انگلیس متوقع خواهد بود که او را
ازین بلایائیکه بواسطه و خالت ایشان مبتلا شده است نجات دهند .
لیکن بسیار باتأسف است که دولت موصوف تاکنون یک کار عمده
و مفیدی در جزای اینهمه صدمات خدیو نکرده تا آنکه بر خدیو و سایر محبین
از رعایا و غیره او واضح شود که بعد ازین اسباب آسودگی آنها فراهم خواهد آمد

مثلاً در ابتدا دولت انگلیس را لازم بود که یک تدبیری بکار برد که نایرهٔ بغی و طغیان
متمهدی در خطهٔ سودان خاموش شود و نگذارند که قوه و قدرت مشارالیه باین
پایه برسد - یعنی شخص درویش بیسر و سامانی باین رتبهٔ عالی برسد .
بعوض اینکه یک لشکر جرار و خونخوار جنگ آزموده بمقابل متمهدی بفرستند تا
قوت و شوکت او شکسته شود و کارها باینطور سخت و صعب نگردد .
لیکن دولت مشارالیه چنین نکرد و خدیو بیچاره هم بزبانهای فصیح و بلیغ انگلیسها
قناعت نمود و از حیله‌های عملی مشارالیهم غفلت کرد از یکطرف جمعی از سپاه
بی تربیت عاری از جنگ را بسرداری جنرال هکس بجانب سودان روانه داشت
و آنها نیز در اینباب هیچ اندیشه و تصور نکرده بجنگیدن با یک دریای لشکر
مجبور شدند تا اینکه خود را بکشتن دادند - در صورتیکه میدانستند که
جمعیت متابعین متمهدی از اندازه خارج است و دولت انگلیس هم گوشهٔ
کاری از او نمیگیرد البته خبط عظیمی از خدیو بظهور رسیده است یعنی نباید که با قول
باطلهٔ انگلیسها خود را معرض هلاکت بیندازد - چنانکه تاکنون هم امید آن نمیرود که

انگلیسها یک کاری بتلافی مافات در حق خدیو بجای بیاورند که لا اقل
اسباب امیدواری رعایای مصر بشود و در واقع اصلاح خطاهای سابقهٔ
خدیو شده باشد بجهة آنکه با وجودیکه از مضامین اخبار انگلیسی همچه استنباط میشود
که مستر گلیدستون چنین رای داده بود که هیئت خطهٔ مصر برای دولت انگلیس از
جملهٔ ضروریات است - لیکن از زمانیکه خبر شکست خوردن سپاه ابوالجمعی
جنرال هکس پاشا و بعد از آن وارداتیکه در این اواخر بر بیکر پاشا وارد آمد
بسمع مشارالیه رسیده است تاکنون یک عنوانی در بارهٔ معاملهٔ مصر در جزو
سایر عناوین و احکامات مجرائیه نفاذ نیافته - بلی چیزیکه اسباب امنیت
ملک مصر قرار داده اند فرستادن جنرال گوردن بطرف خطهٔ سودان میباشد
و شاید هم مستر گلیدستون آخر الامر چنین حکم نماید یک استعداد لشکری کاملی
از هندوستان فرستاده شود که اسباب شرمندگی در نزد هموطنان خودشان نباشد
و در عزت و جلال او فرقی بهم نرسد و محض رفاهیت تجار انگلیس مصارف
جنگ را بر اهالی هندوستان انکمتاکس جاری سازد و اگر هم بالفرض

کاری از پیش نرود و محض امنیت و استحکام مصر سلطان عثمانی را در معامله
با دولت انگلیس شریک نماید - و حال آنکه در اینوقت تصور این امر بلکه
اظهار آن خیلی بعید مینماید چه دولت عثمانی معلوم میشود از حقوق خود
در مصر صرف نظر نماید و بدون اینکه تحصیل ضمانتی برای حقوق خود در مصر
کرده باشد اقدام بهمراهی انگلیس و مداخله در اعاده امنیت در مصر کند
ولیکن اگر بالفرض مستر کلیدستون مجبور شد از اینکه از هندوستان فوج
بطرف مصر بفرستد پس این مطلب را از خاطر خود محو نماید و قبل از تهیه دیدن
فوج هندی برای مصر باید چنین بند و بستی کند که مخارج این مهم را از محل
دیگر دریافت نماید و بر اهالی هند تحمیل ننماید زیرا که اهالی هند بارهای گران
جنگ افغانستان و جنگهای دیگر را بدوش کشیدند تا وقتیکه
دوباره خزانه هندوستان را پر نمودند هنوز قوه و طاقت جدیدی
برای آنها حاصل نشده است و از خستگی سابق بیرون نیامده اند که باز
این بار گران را بر دوش بکشند - و ما نه همین در باب مخارج مصر

برای هیئت

سعی داریم بلکه ما با ملاحظه این تلگرافهای اخیر مصر و مطمئن شدن حکومت
بریطانیه زیادتر تاکید مینمائیم و مکرر دولت انگلیس را متوجه میسازیم که دولت
موصوف حتی الامکان تا هر اندازه که بتواند برای مهمات حالیه الحدود
سعی بلیغ نماید و هر قدر زودتر ممکن شود یک تدبیر کافی و پر فایده و
استعداد جنگی قابل ملحوظ نظر داشته باشند .
سوانح اخیره که در خطه سودان بعرصه ظهور رسید مانند بیرون رفتن قلعه
سنکات از دست سپاه مصری و ششصد نفر اهالی آنرا متابعین متمهدی
بقتل رسانیدن و صدمه ایکه بر بیکر پاشا رسید و در واقع جمیع واقعات
مذکوره بواسطه بیفکری و بیخیالی مستر کلیدستون بوقوع رسید .
تعجب در اینست که متمهدی آناً فاناً طریقه جنگ و مملکت گیری را بما ها
میآموزد و هنوز از خواب غفلت بیدار نشده ایم .
و شاید هم این صدمات جدیده اسباب کسالت کارفرمایان دولت
انگلیس شده باشد لیکن ما آنچه تصور مینمائیم این واقعات بهمه جهته برای

یک دولتی شانی ندارد مانند سایر سوانحات روی زمین که سایر
دول دوچار آن شده اند میباشد .

الغرض ای مردمان بکوشید تا جامهٔ زنان نپوشید .

درچنین وقتی آسوده نشستن و بطمأنینه و خوانندگی و رفع دشمن کردن
ثمری نخواهد داشت بلکه باید بانهایت همت و مردانگی بیخ و بنیاد
دشمن را برکند — و حکومت انگلیس این مطلب را مقدم بر سایر امورات
پلتیکی خود بدارند زیرا که مملکت مصر بواسطهٔ مداخلهٔ ایشان این نوع
اغتشاش بهم رسانیده است لهذا محفوظ داشتن و رفع مفاسد آنجا
در واقع قرض دولت انگلیس است .

بعضی از صاحبان روزنامه های هندوستان را اعتقاد اینست ولو
آنکه بحسب ظاهر مصریها راضی باشند از اینکه مملکت مصر در قبضهٔ انگلیسها
باشد لیکن در واقع بهیچوجه به مداخلهٔ مشارالیهم را نمی پسندند .

و گویا متمهدی و معنی ثانی اینشین عربی پاشا میباشد چه مشارالیه از این

از این جنگ و جدالی که مرتکب شد مقصودی نداشت بجز آنکه میخواست
که زندگانی اقوام خود را تازه نماید چنانکه از آثار و علامات و توجهات
مردم بسوی متمهدی چنین استنباط میشود و گویا عنقریب تمام مشایخ
و بزرگان مصر هواخواه و حامی مهدی شدند همچنانکه سردارهای
فوج خدیویه در باطن با مشارالیه مکاتبه مینمایند .

نامه نگاران چنین رای میدهند که بهتر اینست که انگلیسها بزودی شهر مصر را
تخلیه نمایند و دولت عثمانی را بر حقوقیکه بآنجا دارد واگذارند .

رُوس و هندوُستان

صاحب روزنامهٔ بمبی گازت مینویسد که از کنار دریای خزر الی رودخانهٔ
خجند در تحت حکومت دولت روس قرار گرفته و علم سلطنت مشارالیه
قدم بقدم برپا گردیده است — اگرچه علی العجاله نفع و ضرری از این
ترقیات روس بدولت انگلیس نرسیده است ولیکن برای دولت
موصوف یک مسئله مهمی در مقابل آمده که خیلی اسباب تحیر و پریشانی

ایشان گرویده است - زیراکه احتمال قوی میرود که عنقریب روسها بطرف هرات نیز حرکت نمایند - درینصورت لازم است که بزودی یک تدبیر کامل نمایند که روسها از حد خود تجاوز نتوانند کرد .

برای محفوظ داشتن حدود مغربی و شمالی افغانستان تدبیری بهتر ازین نیست که دولت انگلیس بیک استعداد کاملی امیر کابل را اعانت نماید و در حین لزوم هم با افواج هندی وغیره لشکر امیر کابل را مدد نماید تا باینوسیله مملکت هندوستان از شر دولت روس محفوظ بماند و همچنین انگلیسان را لازم است که روسها را تنبه سازند که اگر هرآینه آینده از حدود خود زیاده ازین تجاوز نمایند هرآینه موجب قتال و جدال خواهد شد - اگرچه هیچ جای شک و شبهه باقی نیست که در اندرون بیست سال لابد مابین دولتین روس و انگلیس و افغانستان یک جنگ عظیمی روی خواهد داد - حکومت انگلیس هیچوجه گمان نمیکند که دولت روس بتواند بملک هند یورش بیاورد - لیکن چیزیکه اسباب وحشت انگلیس میشود این است که اگر دولت روس شهر هرات را متصرف شد صدمه بزرگی

بر قوت و شوکت و اعتبار دولت انگلیس خواهد رسید و دیگر برای عقب کردن ایشان هیچگونه تدبیری بکار نمیتوانند زد و تدارک دیدن برای این مهم غیر ممکن خواهد بود - بمجرد یکه ترکمانهای مرو اطاعت روس را قبول کردند روسها در صدد برآمدند که بلخ و هرات را نیز در قبضه خود درآورند علی العجاله که دولت روس استعداد جنگی خود را از هر حیثیت در مرو مهیا نموده و قلعه های محکم بنا کرده است تا در موقع بکار برد

ایضاً روس و هندوستان

نامه نگار کوه نور لاهور مینویسد که روزنامه موسوم به اخبار بنگالی منطبعه شهر کلکته حکومت انگلیس را نصیحت مینماید که حکام انگلیس را لازم و واجب است که از حال بعد بانهایت احتیاط با اهالی هند راه روند و با ایشان بطور مدارائی رفتار کنند زیراکه دولت روس روز بروز بسرحدات هند نزدیک تر میشود بنابرآن اندیشه آن میرود که باندک زمانی نتیجه ترقیات روس اهالی هندوستان را بهیجان بیاورد .

صاحب اخبار مذکور مینویسد که مناسب است مهما امکن حکومت انگلیس اهالی
هندرا از خود خشنود سازد و آنهائیکه قلوبشان بواسطهٔ بعضی احکام و اجحافات
آزرده شده است از هر یک ترضیه بخواهد و سعی کند که باطناً از حکومت راضی شوند
حکومت را لازم است که اعیان و بزرگان هندرا در امور حکومتی بسیار
مداخله دهند و آنهارا یک رتبه و منصب عالی بدهند همچنانکه بصاحبمنصبان
انگلیس میدهند و همان نحویکه از اهالی اروپ رعایت و همراهی دارند
و از ایشان احترام میکنند در حق اهالی هند نیز مرعی دارند که مبادا خدای
نخواسته جمعی از طایفهٔ مرتّه و سیک و بنگال و غیرهم از میانهٔ خود سوارها
انتخاب کرده و دولت روس را حمایت کنند .

استاد مهدی سودانی

نگارندهٔ کشف الاخبار بمبئی مینویسد که این روزها استاد یا معلّم مهدی
سودانی که موسوم بجمال الدین است وارد شهر پاریس گردیده است .
اینشخص اصلاً از اهالی افغانستان است و تقریباً چهل و هفت سال از سن او گذشته

معلّم موصوف بیان میکند که درینوقت هر کاری را که مهدی در خطهٔ
سودان انجام داده و میدهد برای تکمیل کردن آنها من نیز سعی و کوشش
مینمایم و نیز میگوید که نه همین مهدی شاگرد من است بلکه تمام جماعت
و همراهان او مرا استاد خود میدانند و بدانواسطه از من بسیار احترام دارند .
من نیز تمام ایشانرا شاگردان رشید خود می پندارم .

صاحب روزنامهٔ فیگارو که یکی از روزنامجات معروف پاریس است با
استاد موصوف ملاقات کرده و جهت آمدن او را بپاریس دریافت
نموده معلوم شد که مشارالیه محض برای تأیید شاگردان خود بپاریس آمده است
بقصد اینکه یک اخبار پلتیکی طبع و نشر نماید تا اگه اهالی مشرق زمین بواسطهٔ
مطالعهٔ آن اخبار در علم سیاست مدن واقف شوند زیرا که اهالی آسیا
بالنسبه باهالی اروپا بالمرّه ازین علم بیخبرند و استاد موصوف چنین اراده
دارد که پس از طبع این اخبار اکثر آنها را بلاعوض ببلاد اسلام منتشر سازد و ایشان
آن اخبار را بانهایت اشتیاق خواهند خواند و عرصهٔ قلیلی نمیگذرد که مضامین

آن روزنامه‌ها در دلهای مسلمانان تأثیر مینماید آنوقت یکمرتبه بجوش و
خروش آمده بالاتفاق تمام روی زمین با انضمام ینگی دنیا را مسخر خواهند نمود
پس از آن تا مدت دویست سال تمام مخلوق روی زمین در امنیت و
راحت بسر خواهند برد (یعنی دورهٔ آسودگی مردمان خواهد بود) و نیز برای
تسلی و اطمینان مردمان ضعیف القلب و کم جرأت این نوید را میدهد
که پس از اینکه این فتح عظیم برای اسلام حاصل شد بقدر ما یتصوره العقول
ممالک مفتوحه از قتل و غارت و صدمات قطاع الطریق محفوظ خواهد ماند .
هر فرقه از روی رضا و رغبت مطیع اسلام شود هیچگونه سؤال و جوابی
با مشار الیه نخواهد بود — الغرض شیخ جمال الدین مزبور در حق شاگرد
خود مهدی سودانی شرح و بسطی نمیدهد همینقدر میگوید که مشار الیه طالب راه
حق است و هفت سال متواتر در یک چاه عمیقی در زیر زمین بتنهائی بعبادت
پروردگار مشغول بود — در هر حال جهت اینکه اهالی فرانسه مشار الیه را خیلی
پسند کرده‌اند اینست که مضامین اخبار مشار الیه بزبان عربی فصیح خواهد بود

و در میان اهالی اروپ از استماع اشتهار این اخبار یک تشویش و واهمه
افتاده است

اخبار تلگرافی

لندن بیست و نهم ماه مارس از لندن خبر رسید که در روز پنجشنبه
بیست و هشتم ماه مزبور هنگام شام جناب شاهزاده دیوک آف آلبانی
چهارمین پسر علیا حضرت ملکهٔ انگلستان و قیصرهٔ هند در شهر (کانیس) که
از بلاد متعلقه به فرانسه است در عمارت (نانیکل کلب) از بالای پله‌ها پایش
لغزیده و بپائین افتاده است و در آنحین صدمه که باو وارد آمد چندان
مؤثر نشد لیکن پس از لمحه مشار الیه مدهوش گردیده و بفاصلهٔ دو ساعت
از جهان درگذشت اطبای آنجا وفاتش را از مرض سکته بیان میکنند .
علیا حضرت ملکه از وفات شاهزادهٔ معزی الیه کمال غم و الم روی داده است
و خبر است که در روز دوشنبه از جانب مجالس پارلیمنت کاغذهای تعزیت نامه
بخدمت ملکهٔ معظمه فرستاده خواهد شد .

لندن سی ام مارس از لندن خبر رسید که بواسطه وفات شاهزاده

دیوک آف آلبانی و تمام خانوادهٔ سلطنتی و رعایای مملکت خیلی رنج والم بظهور رسیده است — علیاحضرت ملکهٔ معظمه یوم قبل مجرد استماع خبر تأسف اثر انتقال شاهزادهٔ مذکور بقصر دیوک متوفا تشریف برده تا زوجه اش را که ایام وضع حملش خیلی نزدیک و از ظهور اینحادثه صدمهٔ عظیمی باو وارد آمده است تسلی دهد — جناب پرنس آف ویلز ولیعهد انگلستان جهت آوردن نعش دیوک متوفا بجانب شهر کانیس روانه گردید . حکم شده است که تا مدت سه هفته تمام خاص و عام اهالی انگلستان بتعزیه داری مشغول شوند .

قاهره بیست و نهم مارس خبر رسید که تمام سپاه انگلیس وارد سواکن شده است و رژمان سوارهٔ نمره (۱۰) و رژمانهای پیادهٔ نمره (۶۵) و (۸۹) جهت معاونت بطرف انگلستان سوار جهاز آتشی موسوم به جمنا گردیده اند مشایخ اعراب هم همه روزه داخل سواکن میشوند و با سرداران انگلیس اظهار دوستی و اتحاد مینمایند .

قاهره سی ام مارس خبر رسید که جنرال گردون در تاریخ شانزدهم اینماه بمعیت سه هزار تن از سپاه مصری از خرطوم حرکت کرده بر لشکر خصم حمله نمودند — سپاه سواره دشمن با کمال استقامت خود را بر قلب سپاه مصری زده و صفوف آنها را متفرق ساختند بنحویکه پای ثبات برای لشکریان مصری نمانده توپها را در میدان جنگ گذارده روی بفرار نهادند و در معرکه دویست نفر از سپاه مصر بقتل رسیدند — جنرال گردون با وجود این هزیمت سپاه خبر میدهد که خرطوم در حالت سلامتی میباشد .

قاهره سی و یکم ماه مارس خبر رسید که دو نفر از پاشاها و صاحبمنصبان مصری در این حملهٔ خرطوم با سپاه مخالف سازش داشتند پس از هزیمت لشکریان جرم مشارالیهما ثبوت رسیده بنا علیه بجرم این عمل سرهر دو را از بدن جدا نمودند .

نیویرک سی و یکم مارس خبر رسید که اهالی شهر (سنسیناتی) واقعه در ینگی دنیا بواسطه حکم و فتوای صادره از حاکم محکمهٔ عدالت که در معاملهٔ قتل صادر کرده بود برآشفته شده و ابتدا محبس آنجا را آتش زدند

و بنای شورش و فساد را گذارده و مفسده تا مدت سه روز امتداد بهم رسانید
از آن امر حکومت مجبور گشته و سپاه ساخلوئی آنجا را بمدافعه ایشان حکم داد
چنانکه سپاه مذکور تا چند نوبت تفنگها را بجانب مفسدین شلیک نمودند
تا آنکه یکصد نفر مقتول و دویست نفر مجروح گردیده و آن مفسده برطرف گردید
لندن اول ماه آوریل خبر رسید که نعش دیوک آف آلبانی در
روز شنبه بخاک سپرده خواهد شد — چون مستر گلیدستون هنوز علیل است
و سرفه زیاد میکند لهذا اطبا مشار الیه را از بیرون آمدن از خانه ممانعت کرده اند
قاهره اول آوریل خبر رسید که عثمان دیقنا مع یکهزار نفر از دلیران
عرب با بسیاری از مشایخ در تمانیب اجتماع کرده و اراده دارند که با شجاعتیکه
با انگلیسها اظهار دوستی مینمایند بجنگند — مهدی بجنرال گراهام پیغام داده است
که ما احتیاجی بسلطنت کردوفان نداریم — رژیمان سواره نمره (۱۹) و رژیمانهای
پیاده نمره (۴۲) و (۷۵) برای معاودت بانگلستان از سواکن سوار بر جهازها
گردیدند — و بعضی از روزنامه‌ها دیده شد که مهدی برای کینگ جان

پیغام فرستاده است که متابعت مرا قبول کن و با مخالفین ما جنگ نما والا
بر مملکت شما نیز حمله نموده و از کشته پشته‌ها خواهیم ساخت پادشاه حبش نیز
در جواب نوشته است که این خیال محال را از سر خود بیرون نمائید و پیرامون
چنین خیالات بیهوده مگردید والا اگر جنگ جوئی ندارم و زنگ .
اندمیرال هیویت روز پنجشنبه برسم سفارت از طرف کینگ جان پادشاه
حبش روانه خواهد شد قاهره دوم آوریل خبر رسید که
اندمیرال هیویت دیروز در سواکن بجواب یک سؤالی گفته است که سیصد نفر
سپاه مع یک جهاز جنگی نزد حاکم انگلیسی در سواکن خواهد ماند و مابقی لشکر
انگلیس بانگلستان معاودت مینمایند . لندن سیم ماه آوریل
امروز در روزنامه طیمس از روی خبر تلگرافی این مطلب انتشار یافته است که گویا
الحاق کردن مرو بمملکت روس از برای روسیها خالی از زحمت نخواهد بود
زیرا که بسیاری از ترکمانهای آن خطه خود را بجانب افغانستان کشیده و قصد
مخالفت با دولت روس را دارند — دیروز در یکی از کوچه‌های لندن

موسوم به پاترناستر یک احتراق عظیمی بوقوع رسیده که ازصدمهٔ آن حریقه
بربسیاری ازعمارات وخانه‌ها ضرر کلی رسیده است .

قاهره سوم آوریل از قاهره خبر رسیده که جنرال گراهام امروز از سواکن
روانه بانگلستان گردید .

لندن سوم آوریل خبر رسید
که لرد هارتنگتن امروز در مجلس عامه درجواب یک سؤالی اظهار
نمود که دولت انگلیس هرگز اراده فرستادن سپاه بطرف بربر و خرطوم
ندارد ولیکن اگر ازبرای جنرال گردون مخاطره بظهور برسد اعانت نمودن
مشارالیه بر دولت انگلیس لازم خواهد شد لیکن هنوز جنرال موصوف
استعانه از دولت مشارالیه نخواسته — تاکنون رأی دولت انگلیس برآنست
که سودان را از سپاه تخلیه کرده و آنجا را بمهدی واگذار نماید .
و لرد موصوف اینرا هم بیان مینماید که اکنون بهیچوجه مناسب نیست که در
خصوص حکمت عملی وزرای انگلستان نسبت بمصر اظهاری کرده شود .
و نیز گفته است که قدری از سپاه ابوحمد سرانولین دود در سواکن خواهند ماند

روس و ممالک مرکزی آسیا

نگارنده اخبار از روزنامهٔ ملتری گازت که انگلیسی است نقل مینماید .
که مرحوم امیر شیرعلیخان فرمانروای افغانستان که اهالی انگلستان
مشارالیه را دشمن دولت انگلیس یاد میکردند در سنه ۱۸۷۳ عیسوی دولت انگلیس را
مطلع ساخت که اگر دولت روس بر مرو و خیوه استیلا یافت و این
دو بلاد معظم را متصرف گردید یقیناً بطرف افغانستان پیشرفت خواهند نمود
و محض رسیدن بمقصد بهانه که در آنوقت برای پیشرفت خود بدست میگیرند
این خواهد بود — بایمعنی که پس از آنکه روسها بر مرو و خیوه مسلط شدند
آنوقت اظهر من الشمس است که ترکمانهای آنجا و بممالک افغانستان پناه خواهند
گرفت و شکی نیست که درضمن بمخالفت روسها علم بغی و فساد را سرپا مینمایند
روسها نیز بهمین بهانه بحکومت افغانستان اطلاع میدهند که شما یا باید ترکمانها را
از خاک خود بیرون نمائید و یا آنکه ما با قوهٔ لشگری خود بجانب افغانستان
حرکت خواهیم نمود — الغرض اکنون که روسها بر ملک مرو که ملکهٔ جهان است

مسلط شدند و صاحبمنصب روسی نیز حاکم آنجا مقرر گردید و جنرال کومراف
با لشکر و سپاه بسیاری برای اقامت در خطه مرو روانه گردیدند و از قرار
تلگرافی که امروز رسیده است چنین خبر میدهد که حکمت عملی دولت روس
براین قرار گرفته است که یک فرمانفرمائی در مملکت بفرستد و حکومت آن خطه را
که تقریباً چهارصد و پنجاه میل طول است بفرمانفرمای موصوف بسپارد .
در هر حال روسها اکتفا بممالک مفتوحه خود نمیکنند و مترصدند که بسیاری
از اضلاع ممالک دیگر را نیز شامل اضلاع مرو نمایند .
مابین (گاور) حد شرقی دریای کاسپین و آبادی ریگستان مرو یک قطعه
ملک وسیعی است موسوم به آتک که در اصل از روی حقیت تعلق بمملکت
ایران دارد ولکن الحال هرگاه حدود جدیده دولتین ایران و روس از
آن سمت رود خانه کاسپین مقرر بشود هیچ شک نیست که ملک آتک هم داخل
متصرفات روس محسوب خواهد شد .
روسها پس از آنکه مرو را متصرف شده اند البته آسوده نخواهند نشست بلکه

درصدد آن میباشند که حرکت و پیشرفت خود را بطرف افغانستان
ترقی دهند همان نحویکه سابق بر این امیر شیرعلیخان خبر داده بود و ثبوت
آنمعنی اینست که وکلای پلیتیکی دولت روس سعی و کوشش مینمایند که تمام
اکثر طوایف و قبایلیکه مابین مرو و افغانستان مقیمند آنها را در تحت
اطاعت حکومت روس در آورند پس از آنکه بر این مقصد خود کامیاب
گردیدند آنوقت درصدد تسخیر افغانستان بر میآیند .

افغانستان

ایضاً صاحب روزنامه ملتری گازت نقل مینماید که درینوقت خبر تازه که از
کابل رسیده است اینست که پسر کوچک امیر بخارا با لشکر بسیاری در کنار
دریای آمون وارد شده و در آنجا اردو زده اند و سرداران خیوه نیز
در آنجا بایشان ملحق شده اند لیکن هنوز این امر بکسی معلوم و ظاهر
نگردیده است که آیا ایشان بچه اراده در آنجا آمده اند .
از ترکستان خبر رسیده است که سردار محمد هاشمخان پسر مرحوم سردار محمد شریفخان

باتفاق برادر خود و جنرال غلام حیدر خان وردک با سپاه بسیاری بجانب شهر اقچه و شبرغان حرکت نموده اند سردار محمد عیسی خان حاکم ترکستان افغانی با سپاه ابو الجمعی خود برای سد راه ایشان بآنطرف رفته است اکنون هر دو سپاه بفاصله ده میل از یکدیگر مقیم و اردو زده اند و عنقریب مابین این دو سپاه یک جنگ عظیمی واقع خواهد شد .

در کابل چنین شهرت یافته است که حکومت هند از امیر کابل خواهش نموده است که مشار الیه ملک قندهار را واگذار بدولت انگلیس نماید بانمعنی که همیشه در قبضه و تصرف انگلیسها باشد لیکن امیر مذکور این مطلب را بلاعوض تمکین نکرده بلکه چند کرور روپیه در عوض واگذار کردن قندهار میخواهد - امیر عبد الرحمن خان در این روزها اغلب ایام هفته را سرداران و صاحب منصبان لشکری خود را احضار نموده و ایشان را ضیافت میکند و در آن مجلس مهمانی آنها را مخاطب ساخته و میگوید که الحال آن وقت نزدیک شده است که خدمات نمایان از شما ظاهر شود لازم است که با زیردستان



خود نیکوئی کنید و حتی الامکان ایشان را تحریص و ترغیب بجنگ نمائید طایفه منغل خیل اجتماع کرده و بسرداری ساذو خان نامی در یکجا مجتمع شده اند و عنقریب مابین ایشان و سپاه امیر عبد الرحمن خان جنگ عظیمی واقع خواهد شد

کلکته

در این روزها ناخوشی وبا و آبله در اکثر بلاد هند شیوع یافته است خاصه در شهر کلکته که خیلی شدت دارد چنانکه در هفته گذشته یکصد و سی و دو نفر با ناخوشی وبا و همینقدر هم بمرض آبله مرده اند .

شمله

جناب لرد ریپن فرمانفرمای کشور هند مع زوجه خود وارد شمله گردیدند و تا مدت نه ماه در آنجا توقف خواهند نمود و از قراریکه روزنامجات انگلیسی ذکر مینمایند فرمانفرمای مذکور در ماه مارس سنه ۱۸۸۵ آتیه از شغل و منصب خود معزول خواهد شد و در هنگام مراجعت از شمله بکلکته نماید بلکه از همانجا بطرف انگلستان روانه خواهد شد .

ملتان

وقایع نگار مقیمهٔ ملتان می‌نویسد که در مضافات قصبهٔ میلسی ویرانه ایست و در آن ویرانه چاهی است که مدتهای مدیدی است که آن قطعه بی آبادی افتاده اتفاقاً شخصی از ملازمان پولیس بقصد صید کبوتران بر سر آنچاه عبور کرده چون باندرون چاه نظر افکند نعش یک زن سربریده را دید که در میانش افتاده فی الفور محافظین میلسی را اطلاع داده چند نفر از سپاهیان بر سر چاه مذکور آمده و نعش آن زن مرده را از چاه بیرون آوردند و در صدد جستجوی قاتل برآمدند اکنون شخصی جیون شاه نامی را که با آن زن آشنائی و رفاقت داشته بدست آورده و جهة قصاص بمحکمهٔ ملتان حاضر کرده اند لیکن معلوم نیست که مشار الیه قاتل است یا نه .

ایضاً در قرب و جوار شجاع آباد ضلع ملتان شخصی زن نوجوان مه جبین حسینه را بچند ضرب تیر بقتل رسانیده و در همانجا گذاشته خود راه فرار در گرفت مگر بکوشش سپاهیان پولیس دستگیر شده بمکافات

کردار خود بمحکمهٔ عدالت ملتانش آوردند - گویند که قاتل مزبور قصد کرده بود که با زن مقتوله زنا کند لیکن زن پارسا ارادهٔ آن ناهنجار را بسمع قبول نیاورده و دامن عصمت بمعصیت آلوده کردن نخواست و شربت شهادت چشیده بملک جاودانی رفت .

اخبار مختلفه

حکومت هندوستان ماهی هشت هزار روپیه برای ایوبخان پسر مرحوم امیر شیرعلیخان بطور وظیفه مقرر داشته اند .

از اخبارات چین منکشف شد که لشکر فرانسه شهر هنگهوا را فتح نمودند و سپاه چینی تاب مقاومت نیاورده لهذا شهر را آتش زده و فرار کردند .

سلطنت چین برای ملازمت سپاهیان جدید شهر بشهر احکام فرستاده است و نیز خبر است که خاقان چین صاحبمنصبان فوجیکه در جنگ شکست خورده فرار کردند بقتل خواهد رسانید .

مابین امیر کابل و حکومت انگلیس برای اینمعنی نامه و پیام جاری شده است که لشکر انگلیس بطور دوستانه قندهار را در قبضهٔ خود درآورد .

در شهر تنگ متصل اردوی قشون از قبری کهنه یکمرتبه نهر آبی جاری شده و
برای اهالی انجا اسباب حیرت دست داده است که اینهمه آب از این قبر چگونه
برمیآید مردمان آن آبرا بطور تبرک استعمال مینمایند .

ناخوشی وبا و مرض آبله در شهر دهلی ترقی یافته است .

لشکر انگلیس از ملک مصر معاودت مینمایند و عنقریب دولت انگلیس تعلقات
خود را از مصر قطع خواهد نمود — گویند مهدی سودانی را دفینه دستیاب شده
که تعدادش تقریباً پنجاه لک روپیه است — امیر کابل از دادن
قندهار بحکومت انگلیس ابا مینماید — و نیز خبر است که عنقریب دولت ایران
بقدر سه هزار میل مربع از اراضی متعلقه بحکومت افغانستان را متصرف خواهند شد
مابین دولت نیپال و برما در باب سرحد بندی گفتگوی عظیمی واقع شده است
در هفته گذشته در موضع ترتله پرگنه سانحه عجیبی روی داده و در ابتدا از آسمان
یک صدای مهیبی بسمع میرسد پس از آن سنگی تصویرنما که در او میخهای آهنی
نصب بود بر زمین افتاده دو پاره شده است و فی الفور یک آوازی مانند توپ

از آن سنگ برآمده تا مدتی امتداد داشت

خیالات بت پرستان در تعظیم گاو و گوساله

شرح مسطوره در ذیل را منشی هرسکهرای برهمن مدیر اداره روزنامه کوه نور
منطبعه لاهور بیان مینماید **رباعی** گاوست بر آسمان و نامش پروین
یک گاو دگر نهفته در زیر زمین ❁ چشم خردت گشای چون اهل یقین
زیر و زبر دو گاو مشتی خر بین ❁ نگارنده مذکور گوید که این مطلب بر
مورخین پوشیده نیست بلکه ظاهر و آشکار است که از قدیم الایام ماده
گاو را تعظیم و تکریم مینمودند و تمام ممالک روی زمین آنرا اشرف البهائم
دانسته وجهه تعظیم و تکریم آن واضح است زیرا که وجود آن حیوان برای زندگانی
نوع بشر و آسایش ایشان سراپا منفعت دارد و حکایت گوساله سامری و
قصه آن مشهور آفاق است — که چون حضرت موسی ع بکوه طور تشریف
برد و یک اربعین و یا خمسین یوم در انجا توقف فرمود در ایام غیبت آنحضرت
سامری زرگر که از علم سحر نیز مهارت تامی داشت تمام زیورآلات بنی اسرائیل را

که از قبطیان بغنیمت آورده بودند از ایشان گرفته و گوساله از زر سرخ
برای ایشان بساخت و گویند که قدری از خاک سم اسب جبرئیل را بدست
آورده در جوف گوساله جای داد یا آنکه در شکم او دمید چنانکه از تأثیر
آن خاک گوساله بصدا درآمد و آن هیکل مجسمه بگوشت و پوست و استخوان
مبدل گردید - سامری طایفهٔ بنی اسرائیل را بسوی گوساله دعوت کرد
پرستش و عبادت آنرا برآنها فرض و واجب کرده و بایشان گفت
حوائج خود از او بخواهید چنانکه بعضی از سفهای قوم بر اقاویل باطلهٔ او فریفته
شده و به پرستش آن گوساله مشغول شدند .

فریدون که از سلاطین عجم بود مادرش فرانک از خوف ضحاک فریدون را
در ایام رضاعت بگاو بانی سپرد و وی آن طفل رضیع را در خانه خود پنهان
نموده تا مدت سه سال بدادن شیر گاوش پرورش مینمود و گویند که
اسم آن گاو پرمایه بود چنانکه فردوسی در شاهنامه گوید شعر
یکی گاو پرمایه خواهد بدن ❊ جهانجوی را دایه باید بدن - چون فریدون

بحد رشد رسید و بر ضحاک خروج کرد از حسن عقیده که داشت یک گرزی
از آهن برای خود ساخت که سر آن مانند سر گاو بود و مانند درفش کاویانی
آنرا برای خود علامت فتح و ظفر می پنداشت و همیشه در هنگام رزم در نزد
خود میداشت و آن گرز را بگاو و گوه پیکر نیز تشبیه کرده اند فردوسی گوید
شعر بیامد فریدون بجای نشست ❊ همان گرزهٔ گاو پیکر بدست
غرض آنکه در عهد فریدون تعظیم ماده گاو را از جملهٔ فرایض مذهبی خود میدانستند
و پس از فریدون نیز تا چندین پادشاه سلسلهٔ گوساله پرستی جاری بود
چنانکه ابو ریحان خوارزمی در کتاب آثار الباقیه خود مینویسد که از عهد فریدون
تا زمان جمشید هفت پادشاه فرمانروائی کردند و هر یک از حسن اعتقاد
محض تعظیم ماده گاو نام خود را نیز گاو گذارده بودند - یعنی یکی خود را گاو
زرد و یکی گاو سپید و گاو سرخ و گاو ابلق وغیره میخواندند .
در گرشاسب نامه ذکر شده است که یکی از سلاطین سیستان که دخترش در
حبالهٔ جمشید بود و جد پدری گرشاسب از بطن مشارالیهاست گاو پرست بود

و محض تعظیم گوساله نام خود را گاورنگ نهاده چنانکه اسدی گوید **شعر**

مر آن شاه را نام گورنگ بود ٭ کزو تیغ فرهنگ بیرنگ بود .

یکنفر از اولاد ساسانیان که در مازندران فرمانروائی میکرد و چون گاو
پرست بود بگاوباره مشهور گردیده چنانکه شرح احوال وی در نژادنامه
مفصلاً ذکر شده است .

از قوانین قدیمه پارسیان است که روز مهرگان را برای خود عید بزرگ
قرار میدهند و جهت آنرا این میدانند که در آنشب یک گاوی از نور ظاهر
میشود و این گاو دو شاخ دارد از زر خالص و چهار پای او از نقره خام
میباشد و درین اثنا شعشعهٔ از نور خود را جلوه داده و فی الفور غایب میگردد
و هرگاه کسی در حین رؤیت او دعا کند و حاجت بخواهد البته دعایش
مستجاب خواهد شد - و گویند هر سالیکه آن گاو تجلی کند دلیل بر وفور
نعمت و کثرت برکت آنسال خواهد بود .

گاوعنبر - گویند گاوی است که فضلهٔ او عنبر است چنانکه سعدی گوید

شعر گر بی هنر بمال کند فخر بر حکیم ٭ کون خرش شمار اگر گاو عنبر است

و دیگر ثورالماء که عقیدهٔ قدمای زمان این بود که گاویست اندر دریا و
گوهر شبچراغی در دهان خود دارد چون در شب تار برای چریدن و
خوردن علف از میان آب بیرون آید آن گوهر را بهار از دهان خود
بیرون آورده بروی زمین میگذارد چنانکه از تلألؤ و ضیاء او تمام دشت
و صحرا روشن میگردد - و دیگر حجر البقر که سنگ فاز هر نیز گویند که در
زهرهٔ گاو یافته میشود و فواید بسیار دارد و بالجمله اگر آنرا در شیر فرو برند
و آن شیر را بمار گزیده و غیره بنوشانند بسیار مفید خواهد بود و همچنین از
وجود گاو منافع بسیار بانسان میرسد .

آن کدام شخص است که از شیر و روغن او پرورش نمییابد .

خوردن شیر مادر یک معنا و معنی دارد که طفل باید پرورش شود لیکن از
شیر و روغن گاو مادام العمر انسان را لازم است بلکه در بعضی موارد هم بعوض
شیر مادر اطفال را بشیر گاو پرورش میدهند - تمام اغذیه لذیذه و نعمتهای

گوناگون وار دنیا از وجود این حیوان بعمل میآید بلکه هیچ غذائی خوش
طعم ولذیذ نمیگردد مگر انکه بعضی از ماحصل گاو را در آن غذا مخلوط نمایند .
عمده مدار معاش عامه خلایق روی زمین بواسطه وجود این حیوان است
زراعت تمام غلات وحبوبات وسایر بقولات از زحمت ومعاونت گاو
میباشد علاوه بر آن متحمل بسیاری از بارکشیها نیز میگردد وفضله او برای
فقرا ومساکین مفید است از بول گاو شوره میسازند .
الغرض هیچ جزوی از آن نیست که برای انسان مفید نباشد بعد از ممات
هم منافعش بانواع واقسام به بندگان خدا میرسد چنانکه پوست او را بطرزهای
مختلفه استعمال مینمایند واشیاء قیمتی از آن میسازند بلکه در فرنگستان از
استخوانهای او هم چیزهای خیلی قیمتی ساخته وفایده های کلی میبرند .
پس هرگاه ما نوع بشر چنین جانور کثیر الفایده را تعظیم وتکریم نمائیم
وحال انکه تمام وجود خود را برای منفعت رسانیدن بانسان فدا کرده دور
از انصاف ومروت حق شناسی است .

در تاریخ روس مسطور است که اهالی سیبری پوست گوسفندان را پرستش
مینمایند چون بر آنها ایراد کنند که سبب چیست که این پوست را ستایش
میکنید جواب میگویند که زندگانی وحیات ما بواسطه پوست گوسفند است
هرگاه این پوست نباشد در چنین مملکت سردسیر چگونه میتوانستیم زیست کرد
پس مایه حیات ما از او است لهذا پرستش پوست گوسفند را بر خود واجب
دانسته ایم - وهمچنین ساکنین ملک سوید وفلَند حیوانات را ستایش مینمایند
عادت ایشان بر این است که از هر چیزیکه فایده می بینند مدح میکنند وشکرانه
او را بجای میآورند - اگر محض روغن وشیر که ما از گاو منتفع میشویم او را
محافظت وعزت نمائیم در واقع لازمه انسانیت بعمل آورده ایم .
اگر گاو بوجود نمیآمد برای نعمتهای دنیوی ما چه لذتی حاصل بود .
حقیقه هرگاه کنه مطلب را بکریم ماده گاو حق قرابت شیر ما در به بنی آدم دارد
حضرت هادی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم میفرمایند که بخورید از شیر گاو که باعث
شفای هر بیماریست وخوردن گوشت گاو مورث امراض است .

در تاریخ اعثم کوفی ذکر شده است که جناب ابی بکر خلیفه اول هنگامیکه لشکر و سپاه
بجائی میفرستاد در آن ملفوفه فرمان و دستور العملی که به سپه سالار لشکر میداد
چنین حکم صادر میکرد که مملکتی را که فتح نمائی البته دواب و مواشی آنجا را بدرستی
محافظت کن و در نگاهداری آنها اهتمام بلیغ نما مبادا هلاک شوند زیرا که وجود
آنها باعث آبادی مملکت است و هکذا سایر خلفا و سلاطین عرب نیز بهمین
دستور عمل مینمودند چنانکه تا حال هم در ممالک اسلام بدین رویه معمول میدارند
در مملکت ایران که الحال یکهزار و سیصد سال است که سلطنت اسلامی رواج
یافته بهیچوجه کشتن گاو در میانه آنها معمول نیست .

افغانستان و ترکستان نیز که در تحت حکومت اسلام است مانند اهالی اروپ
چندان گوشت گاو را نمیخورند و همچنین است در ممالک عرب محض اینکه گوشت
گاو ردی الکیموس و بطی الانحدار و مورث امراض مزمنه است حتی الامکان از
خوردن او احتراز مینمایند — در هر سال چندین هزار از زائرین بیت الله الحرام مکه
مشرف میشوند و هر یکنفر حاجی را قربانی واجب است هیچکدام از ایشان گاو را

قربانی نمیکنند — هرگز در مذهب اسلام خوردن گوشت گاو در جزو
حسنات شمرده نشده است و از روی ضد و بغض نفسانیت محض اذیت
رسانیدن بسایر فرق البته کشتن این حیوان مشروع نیست .

اول درجه اصول و قوانین اسلام تالیف قلوب مردمان و مواسات
با ایشان است تحقیر و توهین هیچ مذهب و ملتی در شرع نبوی روا
نیست (نعم ما قیل) شعر مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن ⁂ که در شریعت
ما غیر از این گناهی نیست ⁂ و حال آنکه در اکثر بلاد روی زمین در نزد مسلمانان
گاو بسیار است سایرین کمتر گاو را نگاه میدارند خاصه در هندوستان
که مسلمانان بالنسبه به بت پرست خیلی کمتر گاو داری مینمایند مگر طایفه
(ویشن) از قوم هنود که از شرایط مذهبی ایشان است که ماده گاو
داشته باشند و آنجانور را تعظیم کنند زیرا که پیشوای آنها موسوم بمهابارت
در کتاب خود گفته که (وِیا) یعنی گاو از تمام پرستشها عظیم تر است و تا
مادامیکه در حین عبادت گاو نباشد هیچ دعائی مستجاب نخواهد شد .

وهمچنین (سری کیتاجی) نیز که یکی از پیشوایان است در احکام نامهٔ خود مینویسد
که بر شما لازم است که دو چیز را خیلی محافظت نمایند اول گاو و دیگر
برهمن و نیز در مورد دیگر میگوید که نگاهداری و حفاظت این دو چیز (گاو
و برهمن) باعث نجات و رستگاری خواهد بود .

الغرض نتیجهٔ رحم و مروت و انصاف و نزد اهل اسلام بوده و میباشد
چنانکه از کتب اخبار و احادیث و واقعات بزرگان دین و از افعال
سلاطین و مشایخ ماضیهٔ اسلام هزارها حکایت بدین منوال ذکر شده است
که نیکی و ترحم لازمهٔ صفات اسلام است .

حضرت فخر کاینات صلوات الله علیه میفرماید که قَلِیلٌ مِنَ الشَّفَقَةِ
خَیْرٌ مِنْ کَثْرَةِ العِبَادَةِ در اخبار وارد شده است که روزی
حضرت رسول طفل یهودی را دید که مشکی پر از آب بر دوش کشیده و گریه
میکند آنمعدن رحم و مروت سبب را پرسید طفل یهودی عرض کرد که
این مشک بسیار بزرگ است و قوهٔ تحمل این بار گران برای من غیر ممکن است

و از خوف پدر نیز نمیتوانم که بار خود را سبکتر نمایم حضرت چون این را
شنیدند مشک را از دوش آن پسر گرفته و بدوش مبارک کشیده تا بدر خانهٔ
یهودی آورد و پسر بخانه رفت و ماجرا را بیان نمود یهودی بر در خانه
شتافت از مشاهدهٔ حالت پیغمبر بر روی قدم مبارکش افتاده و عرض
کرد که این شفقت و مهربانی از علامات نبوت است فوراً خود و تمام
اهل و عیالش بشرف اسلام مشرف شدند .

ای امتان آنحضرت ملاحظه کنید که رافت و مروت پیشوای شما تا چه پایه است
در تاریخ سلاطین مذکور است که سبکتگین در عهد غلامیش بصید و
شکار بسی شایق بود روزی در صحرا چشمش بماده آهوئی افتاده او را
تعاقب کرد آهو از ترس جان برهٔ خود را گذارده و بمیان بیشه و
جنگل پنهان گردید سبکتگین چون مایوس شد آن بره را دستگیر
کرده مراجعت نمود چون قدری از راه را طی کرد صورت برگردانید
آهو را دید که با دو چشم گریان در عقب برهٔ خود میاید سبکتگین بر حالش

رقت کرده بره آهو را رها کرد چون شب بسر دست درآمد خاتم انبیا
محمد مصطفیٰ را در خواب دید که باو فرمود که چون تو بر آن آهو ترحم کردی
فعل تو در نزد خداوند مقبول افتاده و بهمین واسطه درجه پادشاهی بتو
عنایت فرمود چون بر تخت پادشاهی قرار گرفتی باید کاو خدا مروت
کن — چون آدم ابوالبشر را خداوند آفرید در روی زمین هیچگونه
از حبوبات نبود و نه طریقه طبخ میدانست و نه اسباب آن مهیا بود
برای قوت لایموت خود بشیر قناعت میکرد .

شبانی وحفاظت دواب از قبیل کاو وگوسفند از بدو امر پیشه انبیا
و هادیان دین اسلام بوده است — حال هم وقتیکه خوب تصور
مینمائیم عمدهٔ حفاظت و نگاهداری کاو بدست مسلمانان است .
اهل هنود کجا میتوانند که آنها را پرورش کنند بالفرض اگر یکی از بت
پرستان کاوی داشته باشد بار چرانیدن آن و دوشیدن شیر او
در دست مسلمان است و آنا میکه شیر او تمام شد تا چندی سپرده بلاکین

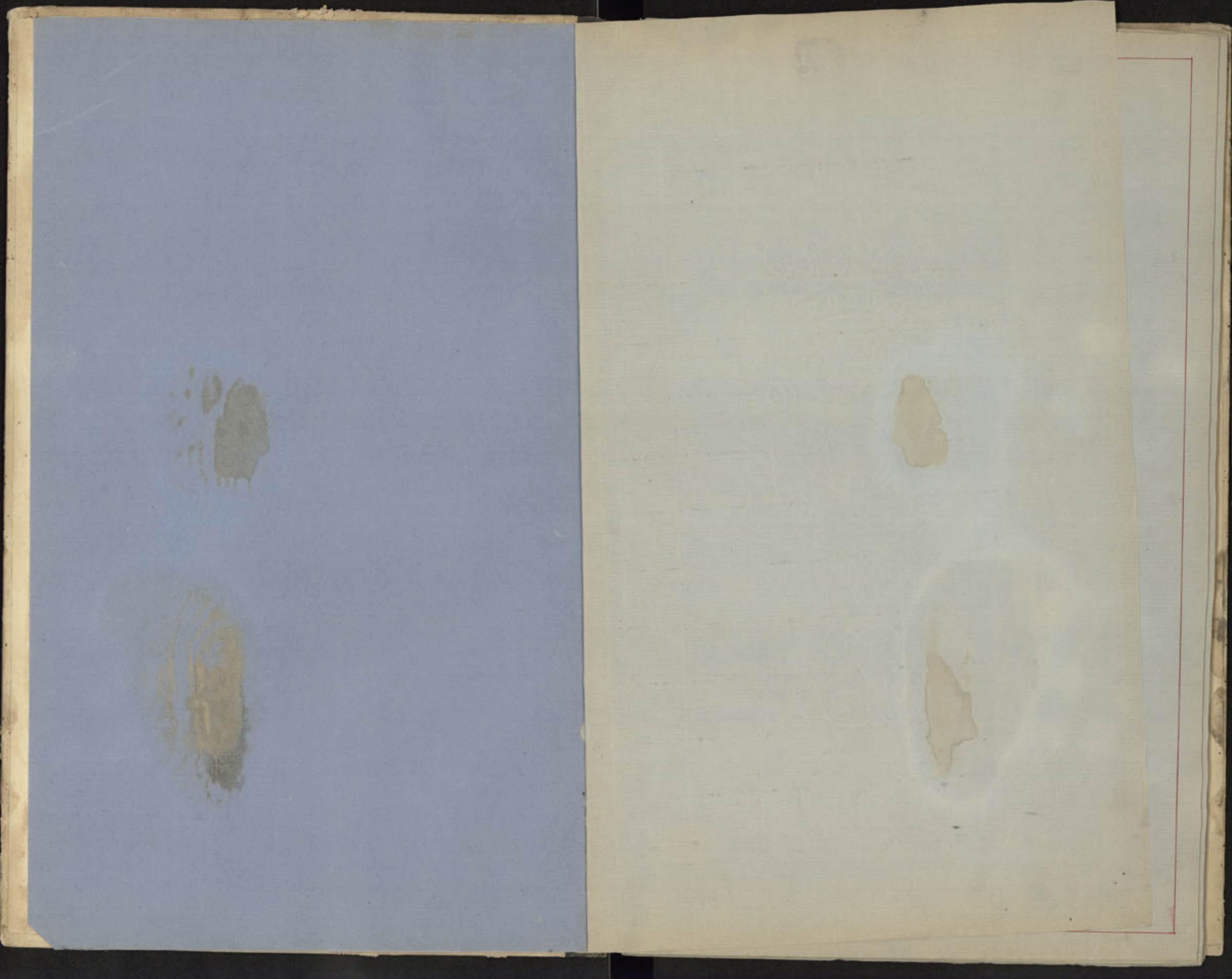
اسلام میشود — پس بهتر این است که مسلمانان بابت پرستان
متفق و یکجهة شوند پرورش و نگاهداری این جانور را در عهده گرفته تا
نسل آنها زیاده شود شاید باین وسیله روز بروز آبادی مملکت از قبیل
زراعت وغیره و فور یابد — اشخاصیکه بخوردن گوشت کاو عادی
شده اند آنها را ازین عادت منع نمایند زیرا که گوسفند و بز بقدری
یافته میشود که آنها بتوانند بخوردن آن گذران نمایند .
جای تأسف است که در معسکرهای انگلیس مقیمه در هند هر روزی چندین
چندین کاو جوان فربه را میریزند و بطور تقسیم هر سرباز انگلیسی را یک پوند
(یکچارک) میدهند لیکن چاره چیست که سربازان انگلیس بدون خوردن
گوشت کاو زندگانی نمیتوانند کرد بجهت آنکه در لندن بخوردن همین
گوشت پرورش یافته اند عمده مدار زندگانی ایشان بگوشت کاو
میباشد وبهمین واسطه کاو را بسیار تربیت میکنند — چنانکه اعلیحضرت
شاهنشاه ایران در سفرنامه خود بیان میفرماید که در یکی از بلاد فرنگستان

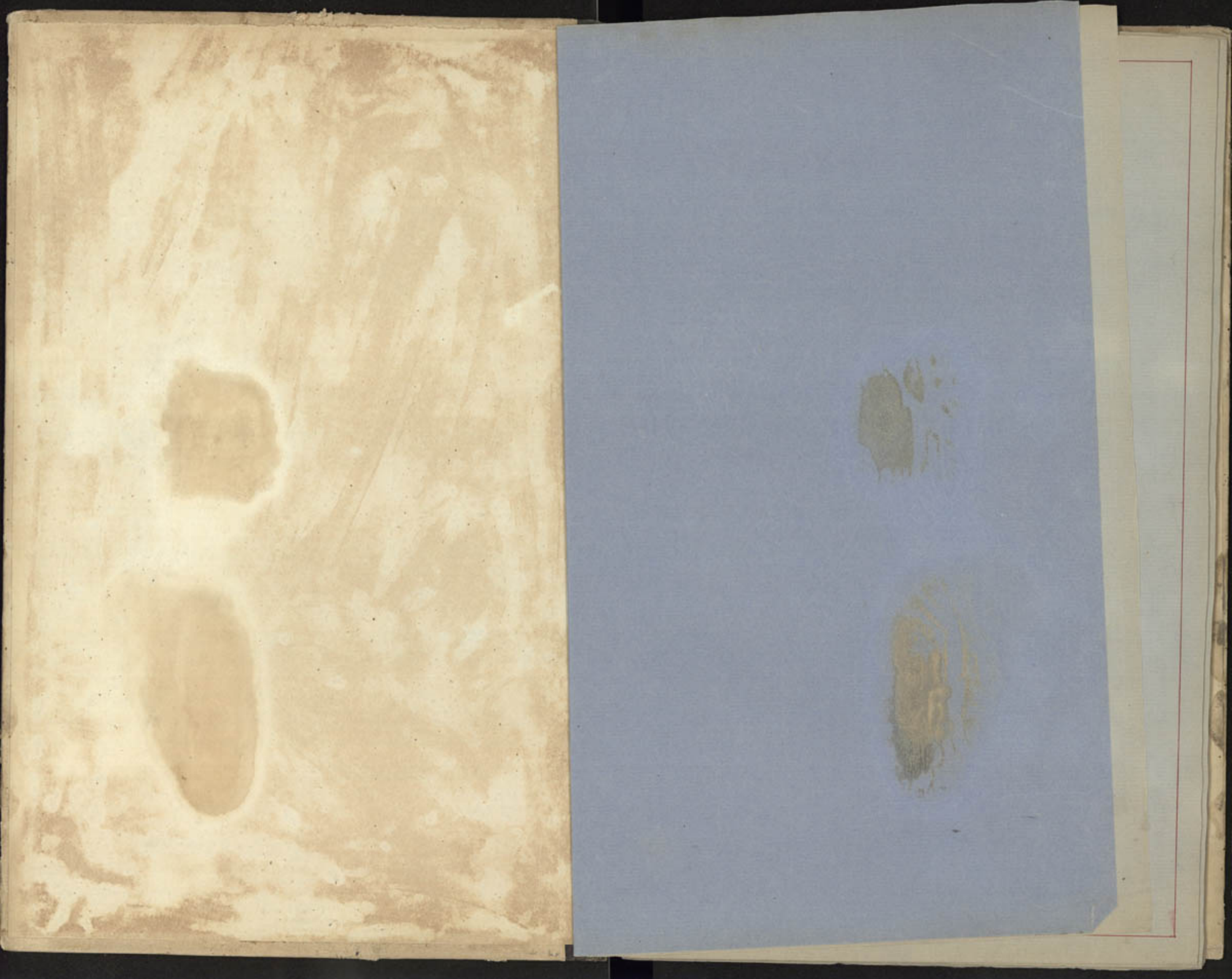
کاوی را ملاحظه فرمود که مشابه یک فیل قوی هیکلی است - مقصود آنکه اهالی
انگلستان بقصد ذبح کردن آنها را باین نحو تربیت میکنند .
هرگاه چهل سال قبل را بخاطر بیاورید که قیمت شیر و روغن بالنسبه بزمان حال چه قدر
ارزان بود تصدیق خواهید کرد که بواسطه ریختن خون آنهاست .
الغرض اتفاق بسیار خوب است رفته رفته باعث این میگردد که هندو و مسلمان
در ایام شادی و غم با یکدیگر مانوس خواهند شد و عداوت از مابین برطرف
میگردد و علاوه بر آن فواید چندی در ضمن آن متصور است اولا آنکه نسل گاو
در روی زمین زیاد خواهد شد آنوقت باعث ترقی زراعت و تجارت
خواهد بود و باین وسیله برای هر دو فریق (هندو و مسلمان) دولت بلانهایتی
حاصل خواهد شد شعر چو غنچه گرچه فروبستگی است کار جهان :: تو همچو باد
بهاری گره گشا میباش .
کلکته در تاریخ سیم ماه آوریل در سلطانخانه که موضعی است در قرب
(متیابرج) و در ضلع کلکته واقع است یک حریقه بوقوع رسیده است بنحویکه

تقریبا دولت خانه با انضمام پستخانه آنجا تماما آتش گرفته مانند خاک سیاه
گردیده و علاوه بر آن در لنگرگاه کلکته یک جهاز آتشی موسوم به (ازورا)
که مملو از مال التجاره بوده است در همان تاریخ مزبور آتش گرفته و چندین
هزار روپیه بواسطه این دو حریقه بر اهالی و تجار آنجا نقصان رسیده است
و از ابتدای آتش زدگی الی انتهای آن تقریبا شش ساعت طول کشیده سپاهیان
پولیس برای اطفای آن سعی و کوشش بسیار نمودند لیکن فایده نبخشید

ترجمه چاکر دعاگوی دولت ابدآیت قاهره
سید حسین مترجم شیرازی و تحریر چاکر جان
نثار میرزا محمد قزوینی منشی دار الترجمه
خاصه همایونی
فی دهم شهر
رجب المرجب
۱۳۰۱








ترجمه
چاکر دعاگو سیّد حسین شیرازی از
هندی

